

به نام خدا

خلاصه جلسات هویت و ماموریت؛ مباحثات محرم

[1] بحث جلسه ی اول؛ در تعریف و شناخت ماموریت:

✓ ماموریت از ریشه ی امر گرفته شده است و امر به معنای طلب شخص دارای شان بالا از شخص دارای شان پایین تر، که واجب است انجام شود و این ماموریت گاهی فردی است و گاهی اجتماعی.

بعضی امور هستند که به تنهایی معنا پیدا نمی کنند و حتما نیاز به ضدشان هست تا معنا پیدا کنند مثلا پدر با پسر، بالا با پایین که پدر بدون پسر متصور نمی شود. کل و جزء نیز از همین امور است یعنی کل وقتی معنا پیدا می کند که جزء باشد و برعکس. با این قاعده یک پازل کشتی را در نظر بگیرید؛ قطعه هایی دارد که اجزاء هستند و کل قطعه ها شکل یک کشتی را تشکیل می دهند. اگر یک قطعه را جزء بدانیم یعنی این قطعه ناظر به کل کشتی است. یکی از اجزاء که نگاه شود یک مربع آبی و قهوه ای است ولی به نسبت کل گوشه ای از کشتی است که در آب قرار گرفته است. پازل کشتی وقتی ساخته می شود که اجزاء در عین توجه به خودشان متوجه کشتی باشند و ماموریت اجزاء این می شود که نسبت خودشان را با کلی که کشتی است هماهنگ کنند.

✓ در زندگی انسان نیز این جاری است که هر کس جزئی است از یک کل و ماموریت پیدا کردن آن کل است. جزء انسان می تواند شغل او، زندگی فردی او و هر چیز خودش که با خودش ارتباط دارد را در بر بگیرد و کل انسان مسیری است که این جزء می خواهد برای او حرکت کند، پس جزء کل را تشکیل می دهد. در مصداق دانشگاهی، جزء کار دانشگاهی است و کل آن تمدنی است که ما را به انسان بودن نزدیک تر می کند. ماموریت انسان حرکت به سمت کلی است که انسان را انسان تر می کند در راستا اگر جزئی همسان با کل نباشد با پرداختن به کل جزء خودش هم پیدا می شود که ساخت یک تمدن می شود. بقال، مهندس، دانشجو، معلم و ... همه در این کل اشتراک دارند. پرداختن به این کل ماموریت همه است که در آن شریک اند و در اینجا دیگر شغل مطرح نیست و فقط ماموریت مطرح است.

اگر ماموریت بر زندگی انسان بخواهد تعریف شود باید دانست که چه کسی حق این امر را دارد و انسان چگونه می تواند ماموریت را پیدا کند، به عبارتی آیا برای شناخت ماموریت قواعد و قانونی وجود دارد تا با آن به سراغ شناخت ماموریت رفت یا خیر قاعده ای برای شناخت ماموریت وجود ندارد.

✓ اگر غایتی باشد باید راه رسیدن به آن غایت نیز وجود داشته باشد و گرنه غایت نمی تواند غایت باشد. پس چون بالفطره هر کس می تواند بفهمد که ماموریتی دارد پس راهی برای شناخت و طی این ماموریت باید وجود داشته باشد.

دین عهده دار این ماموریت می شود و انسان را به سمت انسان بودنش سوق می دهد و گرنه اگر از هر شخصی فی البداهه پرسید که ماموریت را می شناسی به تمام معنا، چون شناخت دقیقی از خودش ندارد نمی تواند جواب مثبت دهد. پس فکر وقتی معنا پیدا می کند که راهنمایی امین داشته باشد. و گرنه دانشمند بسیار است اما نمی شود گفت که هر دانشمندی مسیر درستی را می رود. به عبارتی مسیر تفکر را باید راهنمایی مشخص کند و نیز هر مسیری قابل تکرار نیست.

بی جهت نیست که شاعر می گوید :

طی این مرحله بی همراهی خضر مکن...!

1 بحث جلسه دوم:

✓ وقتی ماموریتی هست پس حقی برای آن و شناخت آن وجود دارد، پس بر این طبق برای عالم قاعده پیدا می شود و طبق این قاعده باید پیش رفت. قاعده ی عالم به دست انبیا است. چه اینکه فقط این حق از مسیر آنها می رود، پس باید متوجه نهضت و حرکتشان بود که برای تمام عرصه ها برنامه ای از جنس آن ها هست.

✓ ماموریت در این نگاه توجه داشتن به برنامه ی انبیا تعریف می شود و اینکه هر شخص متوجه حضور در این جبهه باشد در این وقت دیگر هر کس خودش را با یک ترازو و میزانی می سنجد که بتواند مسیر را پیش ببرد.

به عبارتی کار انبیا نشان دادن کل شکل پازل حیات انسان است تا هر کس بتواند نقش جزء بودن خود را پیدا کند که در این صورت فرقی بین بقال و مهندس و دانشجو و هر شخص دیگری در یافتن کل شکل پازل نیست.

✓ پس ماموریت را در پی گیری مسیری که به انسان بودن می رود باید جست و جو کرد در این صورت خستگی برای او پیش نمی آید و خستگی یعنی عدم رضایت درونی او از کار انجام شده همان چیزی که انسان از آن فراری است و به عبارتی از انسان دور شدن است. وقتی به انسانیت رسیدن درجه دارد و تشکیک پذیر است پس عین الانسانی وجود دارد که گمشده ی همه است و ماموریت یعنی پیدا کردن این گمشده، یعنی توجه به انسان کامل و از این جا می توان فهمید که هر چیز را باید با این هماهنگ کرد. به این صورت قائل می شویم به قاعده مند بودن عالم که کار انسان کشف این قواعد در پرتو انسان است و از همین منظر است که جنس انسان محتاج به جنس نبی است برای شکوفایی خودش.

✓ وقتی جنس ماموریت، به انسان رساندن انسان شد دیگر حضور مسئولیت ساز، انسان را برای نقش داشتن در تمام وجوهی که پیش می آید مامور می کند مانند حکومت، اقتصاد، تربیت، علم و ... که همه این ها باید بر طبق این قاعده پیش برود و کوشش در این است که در عرصه های مختلف و زمانه های مختلف چگونه تنظیم بین این ساحات انجام شود؛ یعنی اولویت در کدام زمان برای چه باشد و به این صورت به سمت تمدنی که مد نظر انبیا بوده است رهسپار شویم.

#هویت_ماموریت_۲

#جلسات_مباحثه_محرم

#تشکل_دانشجویی_آرمان

✓ در عالم قاعده هست و آن قاعده انبیاء و عقل در پرتو انبیا به شکوفایی خودش می رسد. حال سوال

این است که عقل چیست و چه را کشف می کند؟

جواب این است که عقل قوه ایست که حقیقت عالم را می خواهد کشف کند و حقیقت عالم، وجود حضرت حق است پس کسی صلاحیت کشف حقیقت عالم که نور حضرت رب است را دارد که در مسیر جریان الهی یعنی انبیا باشد و راه غیر انبیا نمی تواند حق را به انکشاف خودش برساند. چه اینکه راه حق نیز حق است و این راه حق از حق می آید و انبیاء مبین این راهند.

وقتی عالم قاعده مند دیده شد تمدن و علم متناسب نیز قاعده مند می شود و ما از تمدن امروز این سوال را می پرسیم که چه علمی آورده است و اینکه آیا در پرتو این نظامش پیشرفت کرده است یا نه؟

✓ برای فهم این سوال ابتدا باید معنای پیشرفت را فهمید که پیشرفت چیست؟ اگر پیشرفت را برای انسان معنا کنیم این است که پیشرفت یعنی به سمت انسان رفتن پس با این پیشرفت باید دید که آیا با نام غربی به سمت "انسان" می رود یا نه؟ وقتی بنا شد برای کشف عالم بر صرف آزمایش مادی و قائل نبودن به قاعده در عالم تکیه کنیم، می بینیم که نظام غربی نمی تواند انسان را "انسان" به نمایش بگذارد و مشکلات امروز به گردن این نظام است. این پیشرفت غربی منجر به جنگ و فقر می شود و ذات این پیشرفت غیر انسان کردن انسان است و مشکلات را به وجود آوردن!

✓ وقتی عالم قاعده مند نبود سکولاریته پیش می آید و این یعنی بی تفاوتی به عالم و بحث جدایی دین و سیاستی که مطرح می شود، در پس آن معنایش بی تفاوتی است یعنی هر چیزی به قسمت های دیگر توجه نداشته باشد.

این بی تفاوتی در قسمت های عظیم جامعه ی ما دیده می شود مثلا استاد نسبت به شاگرد و بر عکس، در جامعه شغل های متفاوت نسبت به هم، به عبارتی بحران جامعه ی امروز ما بی تفاوتی شده است وقتی می توانیم به سمت تمدن انسان پیش رویم که جنس انسان برای انسان دلسوز باشد و تقصیر تراشی بی خود نکند.

✓ امروز اگر دانشجویی نمره اش کم می شود متهم به درس نخواندن می شود. این باید تحقیق شود و استاد باید تحقیق کند، اگر نیست ما دچار بی تفاوتی شده ایم و در مسیر اشتباه هر چه پیش تر رویم خطا بیشتر است.

#جلسات_مباحثه_محرم

#تشکل_دانشجویی_آرمان

ArmaniUT@

1] بحث جلسه چهارم:

✓ وقتی قائل شدیم عالم قاعده ندارد، دچار پریشانی می شویم و مشکلات می آید در این صورت انسان کوچک می شود. یعنی انتخابش مطابق انسانیت او نمی شود و به عبارتی انسان، دیگر "انسان" نمی شود.

✓ سن افراد را می توان از روی انتخابشان تشخیص داد مثلا اگر انسان میانسال با اسباب بازی های یک کودک بازی کند به او ایراد می گیرند که این انتخاب مربوط به سن شما نیست و این کار برای شما قبیح است. همین طور اگر یک کودک کاری را که یک انسان بزرگ باید انجام دهد، انجام دهد به او ایراد بگیرند که این کار برای او زود است. می گویند یکی از علما، در زمان کودکی به درجات بزرگی از علم رسیده بوده است ولی یک مشکل روحی پیدا کرده بود پس به نزد یکی از بزرگان زمان می رسد که مشککش را حل کند. بزرگ در جواب او می گوید که تو کودکی نکردی چون در فضای علم بوده ای فکر کرده ای کودکی نباید بکنی. برو و کودکی کن تا مشکلک درست شود.

✓ نتیجه این است که انتخاب هر سن، واجب برای آن سن است و اگر از آن تخطی کند دچار بحران می شود.

یکی از مشکلات امروز بشر این است که علاوه بر اینکه کوچک شده است برای کوچک بودن او ساختار آمده است مثلا می بینید انسانی که قرار بود با انتخابهای بلندش قله های انسانیت را بپیماید، امروز بازی برای

بزرگسال آورده شده است. این انسان وقتی کوچک شد رفتار بچگانه پیدا می کند. یعنی فقط خودش را و اطراف خودش را می بیند.

این نمود در انسان های بزرگ به بی تفاوتی جلوه پیدا می کند نسبت به جامعه، نسبت به اطراف. در این هنگام زندگی او نیز در این جهت پیش می رود چنانکه دیده می شود بعضی ها انگار زندگی شان پول در آوردن شده است. این می شود که آشفستگی انسان را در بر می گیرد.

✓ در این هنگام وظیفه، آگاه کردن است و این آگاه کردن حرکتی است در مقابل یک نظام سازمان یافته که کل عالم را با دستگاهش بی قاعده نشان می دهد.

#هویت_و_ماموریت_۴

#جلسات_مباحثه_محرم_تشکل_دانشجویی_آرمان

ArmaniUT@

1 بحث جلسه پنجم:

✓ سن انسان را می توان از انتخاب های او تشخیص داد و امروز انتخاب هایی که در حد تمایلات مادی و شهوات انسانی اند نشان می دهد که سن او رشد نکرده است و مشکلات ایجاد شده است.

✓ شروع کار مقابله با این مشکل آگاه سازی جامعه است. آگاه سازی باید به صورت تشکیلاتی و با دقت تمام پیش رود چه اینکه کار بد اثرش نیز بد می شود و حقیقتی را که دنبال می خواست بکند ذبح می کند. تشکیلات حول یک پایگاه باید باشد و چون در دستگاه انبیا برنامه ی ما تعریف پیدا می کند، پایگاه همان معبد یعنی مسجد است.

✓ نبض کار برای یک تمدن و پیش برد یک تمدن مسجد است و مسجد مغز اداره آن است و از آن جاست که حرکت و تربیت مردم شکل می گیرد؛ در این صورت این تشکیلات باید تبلیغاتش را درست کند و برنامه ی درست تبلیغاتی بریزد برای تمام اعضا کار تعریف کند و برای کسانی که می خواهند وارد این پایگاه شوند نیز کار داشته باشد. برنامه ی پایگاه ها دراز مدت است و چه اینکه کار انسان سازی کار یک روز و دو روز نیست و وظیفه ی پایگاه اینجا تعریف می شود. به عبارتی پایگاه تمدن، سبک زندگی آن جا را تعیین می کند و مقابل سبک های زندگی بیگانه موضع و برنامه ریزی دارد.

✓ این پایگاه باید بتواند آغوش پذیرای همه باشد و هم اینکه با ورود سلائق مختلف، اثر سلائق را در خودش هضم کند و تحت تاثیر آنها عوض نشود. اینجا فعالیت های فکری و بحثی تعریف می شود و پایگاه اجازه ی ابراز فکر سایر سلائق را می دهد ولی در بحث با آن ها می تواند قوت خودش را بر سایرین نشان دهد.

پس پایگاه باید از جامعه جلوتر باشد و در این صورت مردم هویت خود را در آنجا پیدا می کنند و مشکلات و مسائل مهم تمدنی آنجا حل و فصل می شود و در این صورت سبک زندگی های بیگانه با ایجاد سبک زندگی جدید و به تبع علوم همان سبک، استحاله می شود.

✓ مشکل امروز جامعه ی ما بی هویتی پایگاه ها و به تبع بی هویتی مردمش است و وقتی جامعه ای دچار کوچکی شد، به بی هویتی می آید و فرهنگ های بیگانه به راحتی او را مغلوب می کند.

#هویت_و_ماموریت_۵

#جلسات_مباحثه_محرم

#تشکل_دانشجویی_آرمان

1 مبحث جلسه ششم:

✓ وقتی قرار شد برای پیش برد یک جامعه و آگاه سازی آن، پایگاه وجود داشته باشد پس پایگاه نقش مهمی را در نگه داری و تعیین سبک زندگی مردم، ایفا می کند. به عبارتی وقتی برای یک جامعه ای ماموریت تعریف شد پایگاه وظیفه ی شکوفایی هر چه بیشتر این ماموریت را بر عهده دارد.

✓ یکی از وظایف پایگاه در این امر، امر به معروف و نهی از منکر است. معروف، یک ساحت اجتماعی و تربیتی است، به عبارتی وظیفه این است که هر حقیقت واجبی، به صورت عرف قرار گیرد و همه متذکر آن شوند. امر یعنی همان متذکر شدن و وقتی به چیزی امر صورت می گیرد که شخص مورد امر قرار گرفته، متذکر ماموریت خودش شود و اگر امری واقع شود و شخص متوجه ماموریت نشود و به ساحت ماموریت دست نیابد، دیگر این کار امر نیست.

✓ چه اینکه در شرایط امر به معروف و نهی از منکر، اثر گذاری قید شده است. و تاثیر گذاری به معنی این نیست که جایی نمی شود تاثیر گذاشت پس به سمت اصلاح آن نباید رفت! بلکه تاثیر گذاری یعنی طریقه ی کار به گونه ای باشد که در آن تاثیر ایجاد شود. ممکن است جایی روش یک روزه جواب می دهد و جایی روش دو روزه صحبت اصلی اینجاست که بدانیم کدام روش را کجا استفاده کنیم.

✓ وگرنه اگر برنامه ریزی برای سبک زندگی جایی وجود داشته باشد دیگر اصلاً امکان نبودن تاثیر وجود ندارد. هر گونه که جایی کار شود قطعاً تاثیر هست. منتها بحث اینجاست که باید کار را به گونه ای انجام داد که تاثیر ایجاد شود. مثلاً طریقه ی رفتار با یک انسان کریم با طریقه ی رفتار با یک انسان حسود فرق می کند و به همین ترتیب بقیه جامعه. مثلاً یک نفر باید بترسد، دیگری باید امید وار شود، دیگری باید کرامتش حفظ شود و چه بسا کسی لج کرده است پس باید برایش صبر کرد و به همین ترتیب برای تاثیر گذاری برنامه ریخت.

✓ به عبارتی امر به معروف و نهی از منکر یک اجبار کردن و اکراه کردن نیست مگر برای شخص شقی که شقاوت نهادینه اش شده است وگرنه بقیه قرار است متوجه ماموریت شوند و این امر که همه مراقب همه باشند یکی از شئون بی تفاوت بودن است که همه برای همه مهمند و البته از آن طرف این بی تفاوت بودن نیز باید با فضولی که دخالت بی مورد است نباید اشتباه گرفته شود.

#هویت_و_ماموریت_۶

#جلسات_مباحثه_محرم

#تشکل_دانشجویی_آرمان

ArmaniUT@

1 بحث جلسه هفتم:

✓ امر به معروف و نهی از منکر باید ساختار مند بشود مثلاً امروز فرزندان ما امر به رفتن به مدرسه می شوند یا مثلاً ماشین هیچ کس نمی تواند بیمه نداشته باشد و به همین ترتیب و وقتی امر به معروف و نهی از

منکر به ساختار در آمد هویت پیدا می کند و این هویت باعث بقاء او می شود. به این صورت که مردم مجبور می شوند هویت خودشان را در آن جا پیدا کنند.

✓ اما در این قسمت توجه شود که ساختاری شدن امر به معروف و نهی از منکر به معنی اجبار و اکراه نیست. اگرچه برای عرف شکن اکراه می شود! مثلاً کسی که در عرف با چاقو به سمت مردم حمله کند باید با او اکراه و تندی شود. به عبارتی مردم باید هویت خود را در آنجا پیدا کنند.

✓ البته درجه ی منکر هم در جامعه فرق می کند؛ یک وقت درجه ی یک منکری کمتر از درجه ی منکر دیگر است، نباید به اندازه آن با او برخورد شود.

✓ انقلاب اسلامی امر به معروف و نهی از منکری در ظرف زمان بود. به این صورت که جبهه ی مخفی و در پستو کارکننده ی نهضت حق را به عرصه ی مقابله ی رسمی کشاند و به عبارتی به جهان نشان داد در نظام استکبار نمی شود نقد استکبار کرد و این نحوه ساختار یک روشی است که انسان می تواند مقابله استکبار بایستد.

✓ در بحث امر به معروف گفتیم که این امر، برای طالب انسانیت ماموریت می آورد و متوجه آن می شود و جلو شخص فاسد را می گیرد، انقلاب اسلامی انسان را به سمت انسانیت امر کرد و با این کار به انسان های آزاده ی جهان ماموریت استکبار ستیزی می دهد و نیز خار چشم فاسدانی می شود که چپاول را شغل خود کرده اند.

ثمره ی این انقلاب آنجایی مشخص می شود که نوع بشر را می خواهد متوجه حقیقت و نهضت انبیا کند و حرف اصلی او این است که از دریچه ی این نهضت است که می رود و اگر دانشمندان تا ابد به تجربه روی آورند چون قاعده ی عالم در دستشان نیست ظلم باقی می ماند. حقیقت انقلاب اسلامی کشف ماموریت انسانی انسان است که در ظلمات مدرنیته مغفول مانده است.

✓ انقلاب اسلامی همان پایگاهی است که برای از بی تفاوتی در آوردن انسان های عصر و آگاهی دادن به آن ها نیاز است، تشکیل شده است به عبارتی این پایگاه احیاگر سنت انیا است همان سنتی که برای سعادت و فیض انسان توسط حضرت حق ایجاد شده است.

#هویت_و_ماموریت۷

#جلسات_مباحثه_محرم

#تشکل_دانشجویی_آرمان

ArmaniUT@

1] مبحث جلسه هشتم:

✓ انبیا وقتی قابل اعتمادند، که در تمام ساحات بتوانند بشریت را راهبری کنند و عقل در آن ساحات در پرتو آن ها به شکوفایی برسد. انقلاب اسلامی در شرایط کفر به اسم "دین" و در امتداد "نهضت انبیا" و تربیت آنها، به صحنه می آید. به عبارتی حق و نهضت انبیا در زمانه ای صاحب تشکیلات شد که اگر تشکیلات درست نمی کرد و با سازماندهی به صحنه نمی آمد شرایطش بسیار سخت می شد و به طور کلی به سمت حذف می رفت.

✓ در شرایطی که مدرنیته برای تمام ساحات، ساختار تشکیل داده است و روح تمامیت خواهش به سمت حذف هر چه غیر خودش است، پیش می رود و می خواهد کل دنیا در بردگی او به سر ببرد؛ انقلاب اسلامی محاسبات را بر هم می زند و چون قدرت مدرنیته به حدی زیاد بود که در هر دولتی وارد می شد در انقلاب نیز وارد شد و اگر چه مدرنیته در خیلی از ساحات وارد شد اما نهضت را نتوانست خاموش کند.

✓ به عبارتی به انقلاب وارد شد و نه اینکه انقلاب را از بین ببرد. در این حالت انقلاب به جریان مقابل مدرنیته اجازه ی فکر را می دهد.

✓ امروز یکی از مشکلات جریان های فرهنگی، ورود مدرنیته در ساختار آن هاست به نام بروکراسی که قدرت انقلابی را می گیرد. مدرنیته چون همه چیز را بر سر راهش خراب می کند وارد مناصب فرهنگی نیز می شد اما انقلاب اسلامی کم و کیف این ورود را تغییر داد. یعنی اگر انقلاب اتفاق نمی افتاد باز مدرنیته وارد می شد و هویت غیر خودش را باطل می ساخت پس انقلاب به جریان مقابل مدرنیته اجازه ی کار می دهد.

✓ انقلاب اسلامی در شرایطی آمد که تکنولوژی قدرت زیاد خود را پیدا کرده بود و نهضت انبیا که در ایران اهل خود را داشت، توسط دستگاه حاکم در نبرد با مدرنیته به شکست می رسید و دستگاه حاکم سودای گذر از تمدن یعنی مدرن شدن هر چه بیشتر را داشت. در این تعاریف و ساختارها دیگر نقشی برای دین تعریف نمی شد و در این جاست که حقی که سال ها زیر زمینی کار کرده است، چون توان درونی خود را زیاد می بیند مجبور به حضور می شود.

✓ یک دانه وقتی در دل خاک قرار می گیرد تنها کاری که باغبان می کند این است که شرایطی را برای دانه مهیا می کند تا اینکه حیات بر آن می تابد و رشد می کند. انقلاب اسلامی نیز حیات گروهی است که شرایطی را مهیا کردند تا حیات نهضت انبیا بر آن ها بتابد و بتوانند با حضور تاریخ ساز و جریان ساز مقابل ظلمات دوران ایستادگی کند. به عبارتی انقلاب اسلامی نقشه ی انبیا در زمان خلا دوری از نبی یعنی دوران غیبت است.

#جلسات_مباحثه_محرم

#تشکل_دانشجویی_آرمان

ArmaniUT@

1] مبحث جلسه نهم:

✓ وقتی نهضت انبیا فهم شود، شکوفایی عقل و امداد های غیبی فهمیده می شود و نیز نقش هدایت الهی در پرتو نبی مشخص می شود. انقلاب اسلامی حاصل عمل به نهضت انبیا است و به عبارتی این انقلاب از دل تربیت این نهضت برخاسته است که در ادوار مختلف نقش های مختلف داشته است. گاهی پنهان بوده است و گاهی آشکار و به همین صورت نقش تربیتی و هدایت را ایفا می کرده است تا اینکه با آمدن آخرین پیامبر برنامه ی فروع، کامل شد.

✓ سپس این نهضت در جریان امامت ادامه پیدا کرد که حکومت از دست امام خارج شد و در این شرایط برنامه ی هدایت در قالب های مختلفی پیش می رفت و امامان نهضت برای هدایت شهرهای دور نماینده می فرستادند و اصرار داشتند که پیروی از اینها، پیروی از امام است.

✓ تا اینکه مسئله ی غیبت پیش آمد و کشف مسئله ی غیبت در کشف جایگاه انبیا در عالم و نسبت انبیا با عقل است. در ابتدای غیبت این نهضت توسط تربیت یافتگان انبیا، به صورت مخفیانه و با تربیت شاگرد پیش می رفت تا اینکه هر چه زمان می گذشت دایره ی جریان افزایش پیدا می کرد تا اینکه در زمان سلطان خدابنده، نهضت انبیا توانسته است برای حاکم و زمانه اش مسئله ایجاد کند که بالاخره جریان امامیه چیست تا اینکه نهضت انبیا توسط خواجه ی طوسی و شاگردش علامه حلی پیروز می شود و دستگاه حاکم به ترویج این جریان می پردازد.

✓ این اولین ورود نهضت انبیا به عرصه رسمی است و سپس هر چه بیشتر پیش می رود جایگاه این نهضت بیشتر می شود تا اینکه حکام هویت خود را در ابراز علاقه ی بیشتر به تربیت یافتگان این نهضت

یعنی فقها می ببینند و با فتوای میرزای شیرازی، قدرت پنهان این نهضت هویدا می شود. تنها پیش بردی که مانده بود این بود که تمام عرصه ی رسمی در دست این ها قرار گیرد تا اینکه در انقلاب اسلامی، تربیت یافتگان انبیا در عرصه ی رسمی کامل به صورت اعمال نظر مستقیم در حاکمیت می آیند و ولایت فقیه حاصل این پیشبرد نهضت است.

و کار اصلی تربیت یافتگان نهضت انبیا برگردان نقش نبی و به عبارتی کشف معمای همان کسانی است که آنها را تربیت کرده اند. یعنی هدف اصلی، حرکت به سمت ظهور این غیبت است چه اینکه خود آن ها حاصل این نهضتند.

✓ برای پیش برد مقاصد انبیا و انقلاب اسلامی شاهره به صحنه آوردن جایگاه نهضت انبیاء، یعنی ظهور آخرین باقیمانده و به عبارتی همان منجی است.

#هویت_و_ماموریت_۹

#جلسات_مباحثه_محرم

#تشکل_دانشجویی_آرمان

ArmaniUT@

1] مبحث جلسه دهم:

✓ وقتی نهضت انبیا و به تبع، حقیقت انسان کشف شد نسبت انسان با مدرنیته و نهضت انبیا و امتداد آن یعنی انقلاب اسلامی مشخص می شود. پس ماموریت انسان پیشبرد انقلاب اسلامی یعنی امتداد نهضت انبیا

است. در این هنگام می توان گفت انقلاب اسلامی شروع رسمی مقابله ی تمدن اسلامی با تمدن غرب و مدرنیته است و در این راه یاران انبیا وظیفه دارند تا با پیش برد نهضت انبیا در قالب انقلاب اسلامی، به پیروزی نهایی حق علیه باطل جامه ی عمل ببوشانند.

✓ امروز ماموریت انسانی که می خواهد در مسیر انسانیت و نهضت به انکشاف رساننده انسان یعنی انبیا قدم بردارد، باید متوجه تربیت یافتگان این نهضت باشد. امروز هر کس در مسیر انقلاب اسلامی قدم بردارد به کشف مسئله ی غیبت قدم نهاده است و وظیفه ی هر زن و مرد و انسان آزاده ای این است که در شکوفایی این نهضت عظیم انسانی و الهی قدم بردارد.

✓ پیش برد تمدن اسلامی در مقابل مدرنیته به پیشبرد انقلاب اسلامی است. یعنی همانطور که مدرنیته ساحات بشر را مورد مسئله ی خودش قرار داد، انسان احیاگر تمدن انبیا، باید مدرنیته را و بشر امروز را متوجه غفلت عظیم مدرنیته از انسان کند و مرحله ی اول آگاهی بخشی و بیداری است تا انسان را از بی تفاوتی بیرون آورد یعنی در این هنگام دیگر استکبار راحت نمی تواند هر کجا خواست خونی بریزد و صدایی از کسی بلند نشود چون روح بیدار گر انقلاب اسلامی به بیداری مردم جهان می انجامد.

✓ امروز هر کس به هر نحوی بتواند در مسیر این انقلاب کار کند چه مرد، چه زن، چه دانشجو و چه هر شغل دیگر و بتواند مردم را و اطرافیان خود را به سمت پایگاهی که مرکز نشر انبیا است سوق دهد؛ به سمت انسان کامل سیر پیدا کرده است و در این دیگر "بی انگیزگی" و "خستگی" با توجه به نبی و انسان کامل زدوده می شود.

#هویت_و_ماموریت_۱۰

#جلسات_مباحثه_محرم

#تشکل_دانشجویی_آرمان

ArmaniUT@

